

همکاری های افغانستان و ایران در عرصه امنیت انسانی: موانع و راهکارها

دکتر سردار محمد رحیمی*

چکیده

دو کشور ایران و افغانستان با وجود دارا بودن مرز مشترک سیاسی و برخورداری از علایق مشترک فرهنگی و دینی گمان می رود بیشترین امکان را برای گسترش همکاریهای سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی داشته باشند. اما علی رغم گستردگی و تنوع مشترکات عملاً در مسیر توسعه مناسبات به صورت مطلوب موانع و مشکلات متعددی موجود بوده است. حضور بیش از دو میلیون مهاجر افغان در ایران و مسایل و ناامنی های مرزهای شرقی ایران از یکسو و نگرانی های مقامات افغان در مورد امکان دخالت ایران در ناآرامی های جنوب و غرب افغانستان از طریق مرزهای مشترک دو کشور همواره بر مسیر گسترش مناسبات همه جانبه دو کشور سایه سنگینی انداخته است. این در حالیست که امنیت انسانی و ثبات سیاسی هریک از این کشورها به شدت متأثر از ایجاد فضای امن صلح و دوستی در سطح منطقه ای می باشد. از سوی دیگر سطوح نابرابر توسعه سیاسی و اقتصادی در این کشورها باعث بوجود آمدن مهاجرت های غیر قانونی، قاچاق، کشت و تولید مواد مخدر و بروز آشوب های قومی در مناطق مرزی مشترک در دو کشور گردیده است که ضمن به خطر انداختن امنیت انسانی در مناطق مرزی با گسترش دامنه نا آرامی ها به داخل این کشورها ثبات سیاسی این دو کشور را نیز با خطرات جدی مواجه می سازد. افغانستان به عنوان کشوری که عمده ترین شاخص های توسعه انسانی در آن بواسطه سه دهه جنگ در وضعیت نامطلوبی قرار دارد باعث بوجود آمدن نگرانی های فراوانی برای کشورهای همسایه خود بخصوص ایران گردیده است به همین دلیل افغانستان خواهان همکاری های همه جانبه و گسترده ایران که امنیت و ثبات هر دو کشور را به دنبال خواهد داشت می باشد. از سوی دیگر ایران هنوز علاقه ای به شناسایی افغانستان به عنوان یک کشور مستقل با سیاست خارجی پیوند یافته با منافع این کشور با ایالات متحده آمریکا

* استادیار دانشگاه کابل (افغانستان) و رئیس کانون مطالعات ملی افغانستان: sahan_rahimi@yahoo.com

نشان نمی دهد. این مقاله ضمن بررسی موانع و مشکلات موجود در عرصه توسعه امنیت انسانی در حوزه مشترک دو کشور ایران و افغانستان بر جنبه های مثبت و پتانسیل های ارزشمندی که در پرتو مشترکات و علایق دو کشور قابل شناسایی هستند تأکید دارد. بنابراین بررسی موانع و مسایل مذکور می تواند مقدمه ای باشد برای جستجوی رهیافتی مشترک برای دو کشور تا ضمن کاستن خطرات امنیتی مشترک با بالا بردن سطوح همکاری ها و توسعه اقدامات مشترک ضمن تامین امنیت انسانی در این محدوده ثبات سیاسی و امنیت منطقه ای را تضمین نموده راه را برای ایجاد همگرایی و اتحاد منطقه ای در آینده هموار نمایند. همچنین با توجه به وضعیت افغانستان این کشور فرصت دارد تا در رابطه با تدوین رویکرد مناسب در رابطه با امنیت انسانی در حوزه مشترک خود با ایران ضمن در نظر گرفتن موانع و مشکلات موجود از پتانسیل بالای ایران در کمک به این امر استفاده مطلوب را ببرد.

واژه های کلیدی: افغانستان، ایران، امنیت انسانی، همکاری های منطقه ای

مقدمه

امنیت^۱ از جمله مفاهیمی است که همواره در محور مباحث علوم سیاسی و روابط بین الملل جایگاه برجسته ای داشته است. برخی صاحب نظران یکی از کار ویژه های اصلی بلکه اصلیتیرین کار ویژه حکومت ها را تأمین امنیت جمعی و فردی اتباع یک کشور می دانند. [۱] در قرن ۱۶ اساسیترین بحث در اروپا بحث امنیت بود و سامان دولتها و نظام وستفالی نیز بر همین اساس شکل گرفت.

با گذشت چندین قرن معضل امنیت نه تنها حل نگردیده است بلکه بر ابعاد کیفی آن افزوده گردیده و حوزه های مختلفی را در بر گرفته است. در گذشته امنیت صرفاً در بعد ملی و جمعی آن مد نظر بوده است و از منظر ویژگی ها و نیاز های انسانی که اموری مانند بهداشت، اقتصاد و آموزش را نیز در بر می گیرد توجهی به مقوله امنیت نمی شد. امروزه امنیت ابعادی فراگیر تر از گذشته یافته است و بسیاری از شئون انسانی را در بر می گیرد. موضوع امنیت انسانی^۲ نیز از جمله مفاهیمی است که جدیداً بصورت جدی مورد توجه قرار گرفته است.

^۱ Security

^۲ Human Security

از سوی دیگر با توجه به پیچیدگی های سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی که در اثر موج شتابنده جهانی شدن حاصل گردیده است مقوله امنیت نیز به طور جدی با حاکمیت جهانی و فرا ملی گره خورده است . امنیت انسانی نیز در گرو این تغییرات به عنصری وابسته به سازمانهای ملی و فراملی تبدیل گردیده است . در واقع در جهان کنونی تامین امنیت انسانی و رای خواسته های حکومت ها به سازمانهای فراملی چون گروه بندی های منطقه ای ، سازمانهای منطقه ای و اتحادیه های فراملی وابسته گردیده است . مسایل زیست محیطی ، فقر، تروریسم، مطالبات قومی و مسایل نژادی موضوع امنیت انسانی را در متن مباحثات بین المللی قرار داده است. [۲]

سازمانهای بین المللی همواره تلاش نموده اند نقشی موثر در تأمین و حفظ امنیت انسانی در جوامع داشته باشند . اما آنچه مهم به نظر می رسد این است که علی رغم وابستگی امنیت انسانی به سازمانهای غیر دولتی و فراملی باز هم دولتها نقشی اساسی در تأمین و حصول امنیت در سطح ملی و منطقه ای دارند. بطور مثال مناسبات سیاسی دوستانه یا خصمانه بین حکومتهای همسایه نقشی اساسی برای تامین امنیت انسانی در دو کشور دارد . زیرا مسائلی وجود دارد که نیازمند همکاری متقابل و دوجانبه یک یا چند کشور برای حل و فصل آن می باشد. قاچاق و تجارت مواد مخدر ، قاچاق انسان و مسایل قومی - نژادی همواره امنیت انسانی را در سطح ملی و منطقه ای تهدید می نماید. همکاری و یا عدم همکاری کشورهای عضو یک منطقه جغرافیایی در تامین امنیت انسانی نقشی اساسی در ثبات امنیتی و سیاسی در درون کشورها و نیز و رای مرزهای سیاسی این کشور ها دارد.

غرب آسیا از جمله مناطق مهم جغرافیایی است که از نظر تعدد و کثرت فرهنگ ها و مذاهب و اقوام نمونه قابل توجهی به شمار می رود. اهمیت ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی این منطقه نیز باعث شده است که مقوله امنیت انسانی در این منطقه به عوامل مختلف فرو ملی و فراملی مرتبط باشد. کشورهای عضو این مجموعه شامل ایران، افغانستان و ترکمنستان و پاکستان از جمله کشورهایی هستند که عموماً از مشکلات اقتصادی، بی ثباتی سیاسی و ناامنی رنج می برند. در سالهای اخیر این منطقه به اوج کشمکش ها و منازعاتی تبدیل گردیده که دامنه تأثیرات آن تا هزاران کیلومتر آنسو تر امنیت انسانی را در سراسر جهان با خطر جدی مواجه نموده است.

سطوح نابرابر توسعه، فقر و پایین بودن سطح سواد و آگاهی و تضادهای مذهبی و نژادی همواره آسیب های جدی را برای ثبات و امنیت سیاسی و به تبع آن امنیت انسانی در این مناطق فراهم نموده است. دخالت کشورهای مداخله گر نیز در این منطقه همواره به

تضعیف امنیت جمعی منجر شده و شکافهای سیاسی و اجتماعی را تشدید نموده است. بطوریکه غرب آسیا در مفهومی که به آن اشاره شد همواره با مشکلات فراوانی بخصوص در امنیت داخلی و منطقه ای مواجه بوده که امنیت انسانی جهانی را نیز با خطر مواجه ساخته است.

ایران و افغانستان به عنوان دو کشور مهم از نظر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در غرب آسیا علی رغم داشتن پیشینه های مشترک فرهنگی و اجتماعی داشته اند که می تواند نقشی منفی در زمینه همکاریهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی داشته اند که می تواند نقشی منفی در تامین امنیت انسانی در حوزه مشترک دو کشور را به دنبال داشته باشد. هر دو کشور زمینه های مشترکی برای همکاری در حوزه های مرزی دارند جای که ناامنی ها و شورش های قومی و به تبع آن قاچاق سوخت و مواد مخدر برای ایران و نگرانی از مداخله ایران و حمایت از گروههای معارض افغانی توسط ایران باعث بالارفتن پتانسیل ناامنی و کاهش امنیت انسانی در این مناطق گردیده است. تداوم بی توجهی به این حوزه ها هم برای ایران و هم برای افغانستان در دراز مدت نتایج وخیمی را در بر خواهد داشت. توجه و اقدامات مشترک که لازمه تحقق ثبات و امنیت در این مناطق است ضریب امنیت انسانی را در این حوزه مشترک و سپس در کل دو کشور بالابرده چشم اندازی روشن برای آینده منطقه بوجود خواهد آورد.

مفهوم امنیت انسانی

صاحب نظران تا کنون تعاریف متفاوتی از امنیت انسانی ارائه نموده اند اما در اکثر تعاریف بر ژرف تر بودن و گستره معنایی و مفهومی امنیت انسانی به نسبت مفهوم قدیمی تر و رایج تر امنیت تأکید و اشاره شده است. در دانشنامه ویکی پدیا در مورد امنیت انسانی چنین آمده است. «امنیت انسانی اشاره دارد به پدیدار شدن الگویی برای فهم آسیب های جهانی در تقابل با طرفداران مفهوم سنتی امنیت ملی» بوسیله این استدلال صحیح که امنیت انسانها بر امنیت دولت مقدم تر است و امنیت انسانی مردم را در محور امنیت قرار می دهد که برای ثبات ملی منطقه ای جهانی ضروری به نظر می رسد. چنانچه در این تعریف اشاره شد امنیت انسانی را مقدم تر از امنیت ملی، منطقه ای و جهانی دانسته و معتقد است که رعایت امنیت انسانی ثبات ملی، منطقه ای و جهانی را بوجود خواهد آورد. [۳]

هینبکر^۱ امنیت انسانی را به توانایی محافظت از انسان ها و دولت، هر دو اطلاق می نماید [۴] این تعریف امنیت انسانی چیزی فراتر از مفهوم رایج امنیت است که این وظیفه را به دوش دولت وا می گزارد. در واقع امنیت انسانی وظیفه محافظت هم از انسانها و هم از دولت ها را به عهده دارد. اما آنچه در این تعاریف نقش برجسته تر دارد تأکید بر عامل اهمیت انسان و نیازهای انسانی در تأمین امنیت دارد. شاید بتوان گفت تجربه منازعات پس از جنگ سرد و جنگ جهانی دوم نشان می دهد که ورای بحث امنیت ملی خطرات دیگری امنیت انسانها را تهدید می کند که فراتر از حیطه عملکردی امنیت ملی کشورها است. مباحثی مانند فقر، نابرابری، عدم توسعه و تروریسم مثالهای خوبی برای این موضوع می باشد.

بنابراین دولت دیگر تنها بازیگر سیاسی در صحنه جهانی نیست و امنیت نیز دیگر تنها به دولتها مربوط نمی شود. به خصوص، در جهان سه-مرکزی^۲ حاضر، که دولتها را شرکت های چند ملیتی و گروه های جامعه مدنی به چالش گرفته اند، مفهوم تازه ای از امنیت دارد شکل می گیرد که متضمن حاکمیت جمعی و امنیت انسانی به عنوان دو مفهوم کلیدی در کنار مفهوم قدیمی امنیت دولتی سیاسی- نظامی است. [۵]

دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۳ از جمله موتورهای محرک در بحث امنیت انسانی بوده است. پژوهشگران دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد در این مورد تحقیقات گسترده ای داشته اند بنابراین از نظر بحث امنیت انسانی در عمل و از منظر کاربردی این موضوع به صورت کاملتری در گزارش ها و مباحث عملیاتی این سازمان در سطح جهانی مورد نظر بوده است. [۶] محبوب الحق^۴ اقتصاد دان برجسته پاکستانی و سرپرست برنامه توسعه سازمان ملل که شاخص توسعه انسانی را وی با گروه همکارانش برای نخستین بار مطرح ساخت [۷] در پاسخ به اینکه امنیت انسانی برای چه کسانی است اشاره جالبی می نماید وی می گوید: پاسخ آن بسیار ساده است امنیت انسانی مربوط به اشخاص و افراد می شود نه دولتها و نیز اشاره می کند امنیت در فضای جدید بسیار متعادل تر شده است و مفهوم امنیت انسانی مربوط به مردم می شود در مقابل کشور که در گذشته مطرح بوده است. وی همچنین می نویسد «ما نیاز داریم مفهوم جدیدی از امنیت را در نظر بگیریم امنیت انسانی که بر می گردد به زندگی انسانها نه جنگ افزارها و سلاحهای کشورها. امنیت انسانی تأکید بر حفظ ارزشهای اولیه و نیازهای اولیه انسانها دارد نیازهایی

¹ Heinbecker

² Tri-centric

³ United Nation Development Program (UNDP)

⁴ Mahbub ul haq

که مربوط به هر و همه جا هستند . در خانه در خیابان، در مورد شغل، برای اجتماعات و برای محیط زیست» [۸].

سطوح و ابعاد امنیت انسانی

امنیت انسانی در هر کشور به طور همزمان در پنج سطح: ۱. تهدیدات فردی، ۲. محلی، ۳. ملی، ۴. منطقه ای و ۵. جهانی تقسیم می شود. هر یک از سطوح نه تنها مشکلات و مسائل مربوط به خود را دارد بلکه با مشکلات سطوح دیگر نیز مرتبط است. بنابراین بهبود و افزایش امنیت انسانی در یک سطح بر سطوح دیگر نیز اثر مثبت دارد، همچنان که تهدید امنیت انسانی در یک سطح، سایر سطوح را نیز تهدید خواهد کرد. برای مثال تهدید امنیت فردی و کاهش قدرت و اختیار افراد در مشارکت در سطح محلی و ملی اثر گذار خواهد بود همچنین سیاست های ملی محقق نخواهد شد، مگر آنکه در سطح ملی همکاری و مساعدت لازم صورت گیرد.

همچنین امنیت انسانی از دو جزء مهم رهایی از ترس و رهایی از نیاز تشکیل شده است. این دو رکن، امنیت انسانی را در ابعاد امنیت اقتصادی^۱، امنیت محیط زیست^۲، امنیت سیاسی^۳، امنیت غذایی^۴، امنیت فردی^۵، امنیت بهداشتی^۶ و امنیت اجتماعی^۷ گسترش می دهد. [۹]

ذکر این نکته اساسی است که نمی توان به موضوع امنیت انسانی پرداخت اما به ویژگی های امنیت انسانی توجه نکرد. امنیت انسانی موضوعی چند وجهی و پیچیده است که توجه به ابعاد مختلف آن برای داشتن تعریف و شناخت کامل آن ضروری به نظر می رسد. بنابراین امنیت انسانی اساسا دارای ابعاد ذیل می باشد. [۱۰]

۱. بعد مردم مرکزی بودن آن^۸. یعنی مردم در مرکز مباحث آن قرار دارد و اساسا پرداختن به موضوع امنیت انسانی بدون توجه به مردم بی معنی است.

¹ Economic security

² Environmental security

³ Political security

⁴ Food security

⁵ Personal security

⁶ Health security

⁷ Community security

⁸ People-centred

۲. چند بعدی بودن^۱: امنیت انسانی ابعاد مختلفی را شامل می گردد که می بایست ابعاد مختلف آن مورد نظر قرار گیرد.
۳. با هم مرتبط بودن^۲ (ارتباط متقابل داشتن): ابعاد امنیت انسانی همگی به هم مرتبط و متصل می باشد و پرداختن به یک بعد نیازمند توجه داشتن به ابعاد دیگر نیز می باشد.
۴. جهانی بودن^۳: امنیت انسانی موضوعی جهانی است و مختص یک بخش از ساکنان کره زمین نمی باشد.

شاخص های امنیت انسانی

شاید یکی از اساسی ترین سوالاتی که مطرح باشد این است که در واقع امنیت انسانی چگونه تأمین خواهد شد؟ پاسخی که محبوب الحَق به آن اشاره می کند بسیار جالب و قابل تعمق می باشد وی در پاسخ می نویسد «امنیت انسانی بوسیله توسعه حاصل می شود نه بوسیله ارتش». در واقع مهمترین رکن امنیت انسانی متکی بر قدرت نرم و ابزارهای توسعه می باشد. [۱۱]

شاخص هایی که دفتر برنامه توسعه سازمان ملل برای امنیت انسانی به آن اشاره می کند نیز نشان می دهد که ایجاد، حفظ و ارتقاء این شاخص ها نیازمند اقدامات مشترک دولتی، سازمانهای غیر دولتی و سازمانهای بین المللی در قالب برنامه های توسعه یک کشور می باشد. در مجموع این شاخص ها در قالب خطرات برای امنیت انسانی در سطح محلی در هفت حوزه نشان داده می شوند:

- ۱- خطرات برای امنیت اقتصادی
- ۲- خطرات برای امنیت غذایی
- ۳- خطرات برای امنیت بهداشتی
- ۴- خطرات برای امنیت زیست محیطی
- ۵- خطرات برای امنیت فردی
- ۶- خطرات برای امنیت اجتماعی
- ۷- خطرات برای امنیت سیاسی

¹ : Multidimensional

² Interconnected

³ Universal

همچنین برنامه توسعه سازمان ملل متحد خطراتی را که مربوط به امنیت انسانی در سطح جهانی و فراملی بوده و عموماً در مرزهای کشورها مطرح می باشد در شش گروه ذیل تقسیم بندی می نماید: [۱۲]

- ۱- افزایش جمعیت بی رویه بخصوص در مناطق توسعه نیافته جهان
- ۲- رشد نابرابری و شکاف در سطح جهان
- ۳- افزایش مهاجرت های بین المللی و بیجاشدگان داخلی
- ۴- اشکال مختلف تباهی محیط زیست
- ۵- ترافیک و قاچاق مواد مخدر
- ۶- تروریسم بین المللی

از سوی دیگر سازمان های بین المللی، دولت ها و نهادهای غیر دولتی در مورد مواجهه با مقوله امنیت انسانی همواره با سوالات ذیل مواجه خواهند بود که پاسخ به آن می تواند نشان دهنده چارچوب عملیاتی اقدام در مورد تحقق امنیت انسانی باشد این سوالات به این قرار است: امنیت برای چه کسانی؟، امنیت برای کدام ارزشها؟، امنیت برای کدام خطرات؟ و امنیت با کدامین ابزار و وسایل؟ در پاسخ به این سوال دو مکتب برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ و مکتب کانادایی^۲ پاسخ هایی اریه کرده اند که در جدول شماره یک نشان داده شده است. [۱۳]

با توجه به تأکید مکتب کانادایی در مباحث امنیت انسانی به دولت و وظایف آن در تحقق و تأمین امنیت انسانی در کنار سازمان های بین المللی و غیر دولتی در این تحقیق نیز با تکیه بر آموزه های این مکتب و در نظر گرفتن اولویت ها در شاخص های امنیت انسانی^۳ سعی در تنظیم برنامه مشترک برای دو کشور در عرصه تأمین امنیت انسانی در حوزه همکاری های مشترک دو کشور خواهیم داشت. بنابراین توجه به موضوع امنیت انسانی در این مقاله عمدتاً از بعد منطقه ای مورد توجه قرار خواهد گرفت اما عقیده نگارنده بر این است که وضعیت منطقه غرب آسیا و وضعیت شاخص های امنیت انسانی در سطح ملی، محلی و فردی در این کشورها لزوماً ایجاب می نماید تا با تکیه بر توانمندیها و مساعی مشترک برای ارتقا این شاخص ها اقدام گردد. موفقیت در این اقدام تاثیرات سازنده ای بر تأمین امنیت انسانی در ابعاد جهانی خواهد گزارد.

^۱ : UNDP School

^۲ : Canadian School

^۳ : Human Security Index (HSI)

جدول یک: مقایسه بین مکتب کانادایی و مکتب برنامه توسعه سازمان ملل متحد در

مورد امنیت انسانی

نام مکاتب پاسخ دهنده	مکتب برنامه توسعه سازمان ملل متحد	مکتب کانادایی
امنیت برای چه کسانی	برای نیازهای فردی	برای نیازهای فردی، اما دولت نیز همچنان مهم است
امنیت برای کدام ارزشها	برای حفاظت فردی و گسترش آزادی های فردی	برای حفاظت فردی و گسترش آزادی های فردی
امنیت برای کدام خطرات	خشونت مستقیم و غیر مستقیم فاکتورهای محیطی و اقتصادی	خشونت مستقیم و غیر مستقیم فاکتورهای محیطی و اقتصادی در دوسطح ملی / اجتماعی و جهانی / بین المللی
امنیت با کدامین ابزار و وسایل	ارتقا توسعه انسانی، تامین نیازهای اولیه، برابری، تناسب، دموکراسی گسترش یافته و مشارکت مردم در ارزش های جامعه جهانی	ارتقا توسعه انسانی، تامین نیازهای اولیه، برابری، تناسب، دموکراسی توجه به نرم های جهانی و حکومتی که برای حفظ ارزشهای جهانی لازم است.

شاخص های منطقه ای امنیت انسانی برای همکاریهای مشترک بین افغانستان و ایران

در بخش قبلی شاخص های محلی و جهانی در مورد امنیت انسانی را بر اساس گزارشهای برنامه توسعه سازمان ملل بررسی نمودیم. در مورد همکاریهای افغانستان و ایران چون موضوع همکاریهای فراملی را شامل می شود شاخص های جهانی با توجه به خصوصیات منطقه و حوزه مشترک افغانستان و ایران مد نظر خواهد گرفت بنابراین با توجه به مختصات مذکور شاخص ها تعریف خواهند شد. ایران و افغانستان در عرصه تأمین امنیت انسانی در حوزه مشترک خود با مسائل و مشکلات عدیده ای مواجه هستند که ذیلا به برخی از آنها اشاره می گردد. این مسایل و شاخص های مشترک عبارتند از:

- تروریسم و تروریسم بین المللی
- قاچاق و ترانزیت مواد مخدر
- مسایل زیست محیطی مشترک
- فقر و توسعه نیافتگی مناطق مشترک مرزی
- مهاجرت و تردد های مرزی مشکل ساز
- مسایل قومی و مذهبی حل نشده و تشنج زا

توجه به مسائل فوق و ارائه چارچوب مشترک کاری در موارد مذکور می تواند گام نخست در راستای تأمین و ارتقا امنیت انسانی در حوزه های مشترک دو کشور تلقی گردد که منافع اولی را برای ایران و افغانستان در پی خواهد داشت. اما آنچه مهم به نظر می رسد توافق بر سر اولویت های اجرایی و عملیاتی در اقدامات مشترکی می باشد که برای تحقق خواسته ای مشترک دو کشور مهم و اساسی به نظر می رسد.

مشخص نشدن اولویت ها و مطلوبهای مشترک باعث شده تا دو کشور علی رغم خواست قلبی نتوانند به توافق لازم برای اقدامات مشترک دست یابند این در حالیست که اقدامات سریع و فوری با توجه به تحولات پیش رو ضروری به نظر می رسد. اقدامات غیر مسئولانه کشورهای مداخله گر در این حوزه مهم می تواند بر امنیت انسانی نه فقط در حوزه مشترک دو کشور بلکه بر ثبات و امنیت ملی و سیاسی دو کشور تاثیرات نامطلوبی را به همراه داشته باشد.

الف - اولویت بندی ها

گام نخست برای اقدام، اولویت بندی شاخص های مشترک منطقه ای است که به آن اشاره شد. آنچه مورد اختلاف یا عدم علاقمندی دو طرف برای اقدام مشترک است پافشاری و یا نگاه یک طرفانه به خواسته ها و مطلوبهای خود از منظر منافع سیاسی می باشد. در حالیکه به نظر میرسد حصول به منافع ملی برای بلند مدت نیازمند درایت و حصول از پایداری توافق و رضایتمندی دو طرف از اقدامات روی دست گرفته می باشد. در غیر این صورت هر اقدامی از سوی هریک از دو کشور در تضاد با منافع کشور دیگر محسوب شده چه بسی نتایج معکوس در راستای امنیت انسانی مشترک به همراه داشته باشد.

در اولویت بندی های برای اقدام مشترک باید شرایط محیط بین الملل، خواسته های جهانی و دورنماهای همکاریهای منطقه ای را در نظر داشته باشیم. [۱۴] توجه به این شرایط کمک می نماید تا بتوانیم راهکارهای مطلوب و مورد وفاق را در کوتاه مدت و بلند

مدت حاصل نماییم. بنابراین در خصوص شاخص ها به نظر میرسد براساس اولویت ذیل امکان همکاری مشترک میسر و قابل دسترس می باشد.

۱- همکاری در عرصه مبارزه با انواع اشکال ترور^۱ شامل تروریسم دولتی و بین المللی، مبارزه با سازمانهای غیر قانونی و تروریسم معارض در خاک دو کشور

اولویت نخست بنا به دلایل ذیل پیشنهاد می گردد:

۱-۱- خواست و وفاق جامعه بین المللی برای مبارزه با تروریسم در تمام اشکال آن

تروریسم موضوع مشترک جامعه بشری است به علت ابعاد نامشخص و فرامرزی بودن تروریسم و شبکه های گسترده آن که می تواند در تمام نقاط جهان به مدد ارتباطات و تکنولوژی به طور یکسان عمل نماید همواره مورد توجه سازمانهای امنیت ملی و نیز سازمانهای بین المللی و جهانی بوده است. [۱۵] بنابراین این مساله به نظر می رسد همکاری در این زمینه منافع ذیل را برای دو کشور در پی داشته باشد:

۱-۱-۱ امکان حصول به توافق در گام نخست

۱-۱-۲ پاک نمودن اتهام غربی ها علیه ایران در حمایت از تروریسم

۱-۱-۳ امکان جلب کمک ها و حمایت های بین المللی برای دو کشور جهت

مبارزه با تروریسم

۱-۱-۴ بالا رفتن وجهه و اعتبار بین المللی برای ایران

۱-۱-۵ ایجاد اعتماد افغانستان به ایران در مورد حمایت از دولت کابل

۲-۱- خواست ملی دو کشور ایران و افغانستان در مبارزه با تروریسم

۲-۱-۱ خطر امنیتی برای دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت افغانستان در

مبارزه با سازمانهای تروریستی مثل القاعده، طالبان و سایر گروه های تروریستی

۲-۱-۲ قربانی بودن ایران و افغانستان در موضوع تروریسم

۲-۱-۳ بالا رفتن اعتبار منطقه ای ایران و افغانستان در ایجاد حس اعتماد و زمینه

های همگرایی^۲

۲-۱-۴ گسترش همکاریهای سیاسی و امنیتی مشترک دو کشور

۲-۱-۵ گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی و فرهنگی

۲-۱-۶ کاهش بی اعتمادی منطقه ای بین دو کشور

^۱: Terror

^۲: Integration

۲- تجارت، قاچاق و کشت مواد مخدر

۱-۲ خواست بین المللی

۱-۱-۲ از بین بردن یکی از مهمترین منابع مالی تروریسم

۲-۱-۲ جلوگیری از کشت و زرع مواد مخدر از مبدأ

۲-۲ خواست منطقه ای

۱-۲-۲ از بین بردن شبکه های قاچاق مواد مخدر و کنترل و کاستن ناامنی های

مرزی

۲-۲-۲ بالا بردن ضریب امنیت منطقه ای

۳-۲ خواست ملی

۱-۳-۲ آسیب های اجتماعی و خانوادگی برای اتباع دو کشور

۲-۳-۲ آسیب های اقتصادی و تولیدی برای دو کشور: در افغانستان کشت و زرع مواد مخدر باعث از رونق افتادن کشت گندم و سایر محصولات کشاورزی در کشوری شده است که تکیه فراوانی بر تولیدات زراعی و گندم دارد. مواد مخدر زراعت و کشاورزی در افغانستان را به نابودی کشانیده است.

۳-۳-۲ بالا بردن روحیه ملی و سلامت اجتماعی دو کشور در مبارزه با مواد مخدر

۳- مسایل زیست محیطی مشترک

۱-۳-۳ مساله آب هیرمند و خطرات زیست محیطی در آب این دریاچه که موجب خطرات بهداشتی برای سلامت انسان در اطراف دریاچه می شود.

۲-۳-۳ وابستگی کشاورزان و دامدارن دو سوی مرز به استفاده مشترک از آب این رودخانه که در گاهاً خشک و قطع می گردد.

۴- فقر و توسعه نیافتگی

گزارش های سازمان ملل متحد نشان می دهد قحطی و فقر همواره بخش های مختلفی از افغانستان را با تهدید جدی مواجه می سازد. هر ساله تعداد زیادی از مردم این کشور به علت قحطی جان خود را از دست می دهند. بحران گرسنگی یکی از دلایل عمده مهاجرت و فرار افغانهای مجاور مرز ایران به این کشور بوده است. بنابراین اقدامات مشترک در مناطق

مرزی و حاشیه در محو فقر و رفع بحران گرسنگی اولویتی اساسی برای دو کشور بخصوص دولت جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از آسیب های احتمالی به این کشور به نظر می رسد. [۱۶]

مناطق مرزی و حاشیه همواره سهم کمتری را در برخورداری از امکانات ملی به خود اختصاص داده اند. عموماً در کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه این مساله یکی از موانع و مشکلات توسعه همه جانبه در کشور محسوب می گردد. دوری از مرکز و بی توجهی دولت مرکزی به نیازهای این مناطق امکان بالا رفتن نارضایتی و بروز مشکلات امنیتی را در این مناطق افزایش می دهد. توسعه نیافتگی و پایین بودن شاخص های بهداشتی، غذایی، فرهنگی و اقتصادی همگی باعث افزایش ضریب نامنی و کاهش ضریب امنیت انسانی در این مناطق بوده است.

این مسأله در دو کشور افغانستان و ایران به طور یکسان به چشم می آید. اما سطوح نابرابری از میزان شاخص های امنیت انسانی در دوسوی مرز به نسبت هم وجود دارد. افغانستان به نسبت ایران توسعه نیافته تر بوده و این موضوع به وضوح در تفاوت های شاخص ها در استانهای مرزی دو کشور مشهود است. اولویت دادن به مناطق مرزی و حاشیه دو کشور گام اساسی در بهبود امنیت انسانی در دو کشور محسوب می گردد. مسلماً نقش و مسئولیت ایران در تغییر وضعیت موجود در استانهای مرزی افغانستان بیشتر خواهد بود. این اقدامات ضمن تأمین امنیت در مناطق مرزی امنیت انسانی در منطقه را نیز با رشد شاخص ها مواجه خواهد ساخت.

بنابراین اولویت بخشی به موضوع توسعه و فقر در همکاری مشترک دو کشور ضمن اینکه می تواند مورد توافق سریع دو کشور و برنامه توسعه ملل متحد باشد منافع ذیل را برای دو کشور به همراه خواهد داشت. [۱۷]

۴-۱ تضمین امنیت و بالا رفتن شاخص های امنیت انسانی در مناطق حاشیه به نسبت مرکز و کم نمودن سطوح نابرابری در دو کشور.

۴-۲ کاهش نگرانی های امنیتی بواسطه افزایش ضریب امنیت انسانی در مناطق مرزی افغانستان برای جمهوری اسلامی ایران با توجه به سطوح نابرابر توسعه در دو کشور.

۴-۳ کاهش آسیب پذیری امنیتی در مناطق مرزی در صورت اقدام نیروهای مداخله گر فرا منطقه ای جهت اسفاده از پتانسیل فقر و نابسامانی های اقتصادی و فرهنگی برای تهدیدات مرزی برای دو کشور.

۵- تبدیل تهدیدات ناشی از حضور مهاجرین افغان در ایران به فرصت های فرهنگی و اجتماعی

مهاجرت افغان ها به ایران در طول سالهای متمادی باعث گردیده است تا در برخورد با مهاجرین افغان از مهاجرین غیر قانونی و قانونی سخن به میان آید که این مسأله خود تبدیل به مشکلی حقوقی برای دو طرف گردیده است. در واقع مهاجرت غیر قانونی خود از لحاظ ترمینولوژی با مشکل مواجه است. [۱۸] اما به هر ترتیب یکی از مسایل مشترک و مهم دو کشور ایران و افغانستان موضوع مهاجرین افغان در ایران می باشد که بیش از دو دهه از حضور ایشان در ایران می گذرد. متأسفانه حضور مهاجرین افغان در ایران همواره به عنوان تهدیدی امنیتی در کل کشور و بخصو مناطق مرزی نگر بسته شده است. این در حالیست که تهدید پنداشتن حضور مهاجرین در ایران با توجه به تحقیقات مستند نه تنها واقعیت ندارد بلکه بیشتر ناشی از تصورات واهی و بازی های سیاسی دو دولت بوده است. مشترکات فرهنگی، دینی و اجتماعی باعث جذب جامعه مهاجرین در میان جامعه و مردم ایران گردیده است. اما دولت برخلاف واقعیت موجود بر جداسازی، تمایز و موقتی بودن حضور مهاجرین در ایران تأکید نموده و این موضوع باعث تهدید دانستن حضور مهاجرین در ایران گردیده است.

برنامه ریزی درست در مورد موضوع مهاجرین افغان در ایران و ایجاد نگرش فرهنگی و ارزشی در مورد مهاجرین برای ایرانیان می تواند تهدیدات ناشی از حضور مهاجرین را به فرصتی استثنایی برای بهره مندی های اقتصادی و تولیدی در برنامه های توسعه ایران تبدیل نماید و زمینه لازم برای بهره برداریهای سیاسی دولت افغانستان در بازی های سیاسی^۱ داخلی و فرامنطقه ای را فراهم نماید. متأسفانه با گذشت حدود ۳۰ سال از حضور مهاجرین افغان در ایران هنوز هیچ درک درست و شایسته ای از پتانسیل های فرهنگی، اقتصادی مهاجرین برای مردم و دولت موجود نیست. صدا و سیما و رسانه ها همواره تهدیدات اجتماعی ناشی از حضور مهاجرین را برجسته نموده و دولت نیز همواره بر جنبه های منفی امنیتی و اقتصادی ناشی از حضور مهاجرین تأکید داشته است. و این نگاه منفی و تهدید گونه نگاه جامعه ایرانی را نسبت به موضوع افغانستان منفی و حاشیه ای ساخته است در حالیکه چنانچه در بخش اول اشاره داشتیم نگاه منطقه ای و توجه به کشورهای همسایه گام نخست در تأمین امنیت انسانی در دو کشور خواهد بود و موضوع مهاجرین افغان می تواند اولویت برجسته ای در راستای همکاریهای مشترک داشته باشد.

^۱: Political Games

ب- منافع مشترک

همکاریهای متقابل ایران و افغانستان در مسیر مناسب خود می تواند منافع فراوانی در سطوح ملی، منطقه ای و جهانی برای افغانستان و ایران به ارمغان بیاورد.

۱- حفظ و ارتقا منافع ملی^۱

۱-۱ افزایش ضریب امنیتی در بعد سیاسی و انسانی در کشور: اقدامات مشترک مذکور باعث ایجاد حس اعتماد در ساکنان مناطق مرزی و وابستگی و اعتماد بیشتر آنان به دولت مرکزی گردیده و امکان بهره برداری های سیاسی واگرایانه از ایشان را نسبت به دولت مرکزی به حداقل می رساند.

۱-۲ افزایش بازدهی اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی و رفاهی ساکنان مناطق مرزی: توجه به مناطق مرزی بخصوص در توسعه راهها و ایجاد بازار چه های مرزی ضمن ایجاد اشتغال و کارآفرینی باعث گسترش همکاریهای اقتصادی و کاهش نقش اقتصاد قاچاق در منطقه خواهد شد.

۱-۳ کاهش نگرانی های ناشی از تهدیدات کشور همسایه: نابرابری های توسعه ای کشورهای همسایه آن را به عنوان منبع بی ثباتی و نا آرامی مطرح ساخته منافع ملی ایران یا افغانستان را با خطر مواجه می سازد. همکاریهای متقابل باعث رشد شاخص های امنیت انسانی گردیده این تهدیدات بصورت دوسویه کاهش می یابد.

۲- ارتقا منافع منطقه ای^۲ برای دو کشور

۲-۱ فراهم گردیدن زمینه های گسترش همکاریهای همه جانبه در عرصه های اقتصادی و فرهنگی

۲-۲ پیشرفت روند همگرایی منطقه ای در دراز مدت

۳- ارتقاء منافع ملی و اعتبار در سطح بین المللی و جهانی

۳-۱ عدم وابستگی شدید به کشورهای فرا منطقه ای مداخله گر در اوضاع منطقه ای و افزایش ثبات و امنیت منطقه ای

۳-۲ امکان تبدیل شدن دو کشور به بازیگران فعال در مناسبات منطقه ای و سازمانهای منطقه ای و فرا منطقه ای

^۱ : National Interest

^۲ : Regional Interest

۴- بازسازی افغانستان؛ منافع مشترک و اقدامات؛ یک نمونه ایده ال

افغانستان در فضای جدید سیاسی خود نیازمند کمک و همکاری همه جانبه کشورهای دنیا و بخصوص همسایگانی هست که با داشتن مرزهای مشترک طولانی با این کشور بیشترین تأثیرات را از بی ثباتی، فقر و نابرابری در این کشور متحمل خواهند شد. این مسأله در مناطق مشترک مرزی بیشتر قابل لمس خواهد بود، بنابراین:

۴-۱ کمک به احیا و بازسازی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بخصوص در مناطق

مشترک مرزی

۴-۲ توجه بیشتر به مرزهای شرقی ایران توسط دولت با کمک به توسعه راهها و

بازارچه های مرزی برای رونق اقتصادی این مناطق و افزایش ضریب امنیت

انسانی

۴-۳ کمک به کشور افغانستان بخصوص در مناطق مشترک مرزی تا ساکنان این

مناطق با احساس نابرابری نسبت به ساکنان آن سوی مرز نگرانی های امنیتی و

اجتماعی را برای مناطق مرزی ایران بوجود نیاورند.

بنابراین برنامه بازسازی افغانستان چارچوب مناسبی را برای طرح ریزی اقدامات

مشترک دو کشور در شرایط جدید فراهم نموده است. تمرکز و اولویت بخشی به این

موضوع می تواند منافع دراز مدت ایران در منطقه خصوصا در رابطه با همکاری های امنیت

انسانی را فراهم نماید. بازسازی افغانستان بسته اجرایی کاملی را برای برنامه های مختلف

در عرصه همکاریهای اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی فراهم نموده است که اقدام

درست می تواند در بالا بردن شاخص های امنیت انسانی در منطقه کمک موثری بنماید.

این درحالیست که هم سازمان های بین المللی و هم کشور افغانستان در این اقدام همراه و

همگام ایران بوده منافع مشترکی را دنبال خواهند نمود.

ج - موانع موجود

ایران و افغانستان با وجود زمینه های موجود هنوز در مورد اقدامات مشترک به توافقات

اساسی دست نیافته اند و در حالیکه منطقی به نظر میرسد که حوزه امنیتی مشترک دو

کشور در اولیت اقدامات در سیاست خارجی دو کشور قرار گیرد اما متأسفانه برخی عوامل

درونی و نیز بیرونی مانع از ایجاد اقدامات مشترک تا کنون گردیده است این موانع عبارتند

از:

۱- موانع درونی

هر دو کشور مسائل مشترکی را دارند که حل این مسایل می تواند گامی اساسی برای رسیدن به سطح اولیه تفاهات دو جانبه برای همکاریهای مشترک امنیت انسانی باشد. چنانچه در بحث اولویت ها متذکر شدیم حضور دومیلیون مهاجر افغانی در ایران و نگاه غیر کارشناسانه به مهاجرن افغان باعث گردیده هر دو کشور در این مورد اختلافات جدی را داشته باشند. بنابراین علی رغم اهمیت موضوع مهاجرین بیشتر به عنوان بازی های سیاسی در دو کشور مورد بهره برداری قرار می گیرد هنوز دو طرف به دستور کار قرار دادن موضوع مهاجرین بر اساس منافع متقابل تن نداده اند.

از سوی دیگر هر از چند گاهی اتهاماتی در مورد حمایت ایران از گروههای مخاف دولت افغانستان در کابل به گوش می رسد همچنین نگرانی های امنیتی ایران در مورد مهاجرین غیر قانونی دو کشور را در مورد همکاری های مشترک دچار مشکل می نماید. در واقع اعتماد لازم هنوز بین دو کشور شکل نگرفته است در مجموع موانع درونی را می توان در چهار قالب ذیل دسته بندی نمود:

۱-۱ عدم وجود دستور کار مشترک و مرضی الطرفین در مورد مهاجرین افغانستانی

مقیم ایران

۲-۱ عدم اطمینان دو سویه برای همکاریهای مشترک منطقه ای و مرزی

۳-۱ سطوح نابرابر توسعه بین دو کشور: ایران در قیاس با افغانستان در وضعیت کاملاً برتری قرار دارد و این امکان تعامل برابر از افغانستان را با ایران سلب نموده است ایران نیز علاقمندی جدی به افغانستان به عنوان متحد استراتژیک خود نشان نمی دهد.

۴-۱ نگاه تاریخی ایرانی ها به افغانها؛ اصولاً دولت و مردم ایران نگاه واقع بینانه و صحیحی نسبت به پتانسیل های ارزشمند افغانستان در زمینه های تجاری، فرهنگی و امنیتی با افغانستان نشان نمی دهند و چشم انداز تاریخی افغانها نیز در ذهن مردم و دولت این چندان مثبت نیست.

بنابراین موانع درونی که ذکر گردید به عنوان مانعی اساسی در راه همکاریهای مشترک در عرصه امنیت انسانی مطرح است دولت ایران همواره امنیت انسانی در مرزهای خود را فارغ از نگاهی واقع بینانه به آنسوی مرز ترسیم نموده است که این امر در درازمدت باعث نا کارآمدی و شکست اقدامات مذکور در این حوزه خواهد شد. امروزه امنیت چنانچه در ابتدای مقاله اشاره داشتی مفهومی منطقه ای و جهانی یافته است و در این میان

خصوصاً امنیت انسانی در یک کشور وابستگی شدیدی به مرزهای امن و ثبات یافته و وجود کشوری باثبات و همتراز در آن سوی مرزها دارد.

۲- موانع بیرونی

علی رغم برخی علاقمندی های موجود بین دو کشور در مورد همکاریهای مشترک متأسفانه فاکتورهای بیرونی و فرامنطقه ای نیز در این مسأله دخیل هستند که از جمله عوامل مهم در عدم اتخاذ یک استراتژی منسجم برای حصول و ارتقا امنیت انسانی در حوزه مشترک دو کشور افغانستان و ایران مطرح بوده است. در ذیل به برخی از این عوامل اشاره خواهیم داشت:

۲-۱ عوامل فرا منطقه ای^۱:

افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر در مرکز توجه جامعه بین المللی به سرکردگی ایالات متحده و انگلیس قرار گرفته است. منافع این دو کشور در افغانستان و تعارضات این کشورها با ایران باعث گردیده است تا این کشورها علایق مشترک این دو کشور را تحت تأثیر قرار داده و در برخی موارد باعث ایجاد حس بی اعتمادی و رقابت بین دو کشور بشوند. ایران به عنوان کشوری قدرتمند در منطقه علاقه ای به شناسایی افغانستان به عنوان کشوری متحد ایالات متحده ندارد و افغانستان نیز نگرانی هایی در مورد حمایت ایران از گروههای مخالف دولت در جنوب و غرب افغانستان از جانب ایران دارد.

۲-۲ عوامل منطقه ای^۲ و رقیب

ایران به عنوان کشوری قدرتمند در سطح منطقه با رقبای سنتی در همسایگی این کشور با افغانستان یعنی پاکستان و رقبای ایدئولوژیکی یعنی عربستان و کشورهای عربی حاشیه خلیج مواجه است. [۱۹]

۲-۲-۱ پاکستان

این کشور مدت ها است که با دخالت در افغانستان به عنوان عمق استراتژیک [۲۰] این کشور امنیت منطقه ای و فرامنطقه ای را با خطرات و آسیب های جدی مواجه ساخته است. پدیده طالبان بیشتر از یک دهه است که امنیت انسانی را در کل منطقه و بخصوص

^۱:Trans-regional Factors

^۲:Regional Factors

در نزدیکی مرزهای ایران و افغانستان و پاکستان و ایران با خطر جدی مواجه ساخته است و متأسفانه منافع پاکستان با آشوب، نا امنی ها، فقر و بی ثباتی سیاسی در این حوزه گره خورده است. [۲۱]

۲-۲-۲ کشورهای عربی و بخصوص عربستان و امارات:

کشورهای حاشیه خلیج همواره در مورد امکان قدرت یافتن ایران به عنوان قدرت منطقه ای نگران بوده اند اتحاد و همگرایی با افغانستان و تاجیکستان می تواند گام نخست در این راستا باشد که به شدت مورد توجه این کشورها می باشد. اقدام این کشورها در حمایت از گروه طالبان که اقدامات غیر انسانی ایشان امنیت انسانی را در منطقه با خطرات جدی مواجه ساخته است نگرانی های فراوانی را برای ایران و افغانستان بوجود آورده است. مذاکره با طالبان که با فشار کشورهای عربی، پاکستان و غرب صورت می گیرد [۲۲] بار دیگر بر لزوم توجه بیشتر به مقوله امنیت انسانی در حوزه مشترک افغانستان و ایران اشاره می نماید. متأسفانه مناطق مرزی دو کشور به علت بی توجهی در گذشته و نداشتن دستور کار مشترک بین دو کشور پتانسیل فراوانی برای ایجاد نا آرامی و شورش و ایجاد مشکلات برای مردم عادی و دولت های مرکزی خواهند داشت که ممکن است حتی ثبات سیاسی و امنیت ملی هر دو کشور را با خطر جدی مواجه نماید و چنانچه ذکر گردید حفظ و ارتقا شاخص های امنیت انسانی بیشتر از آنکه در گرو اقدامات نظامی و فیزیکی باشد نیازمند اقدامات توسعه گرایانه و اقتصادی در این مناطق است که لزوم توجه بیشتر را نمایان می سازد.

د- راهکارها و پیشنهادها:

مفاد تحقیق نشان می دهد علی رغم موانع و مشکلات موجود زمینه های مساعدی برای گسترش همکاری های مشترک در عرصه امنیت انسانی فی مابین دو کشور وجود دارد. این موارد می تواند بستر اولیه اقدامات عملی را در صورت عزم دولت های دو کشور فراهم نماید. ما از این عوامل بستر ساز به عنوان تسهیل کننده ها نام برده ایم.

۱- تسهیل کننده ها:

۱-۱ مشترکات فرهنگی

۲-۱ مشترکات دینی

۳-۱ دیرینه تاریخی مشترک

¹ : catalyst s

- ۴-۱ عدم اختلافات مرزی و منازعات قومی در دوسوی مرز بر خلاف مرز افغانستان با پاکستان (امن بودن مرزهای غربی افغانستان)
- ۵-۱ امکانات اجرایی مناسب ایران برای اقدام به عنوان یکی از قدرتهای منطقه ای
- ۶-۱ زمینه های مناسب اقتصادی و تجاری در افغانستان برای کالاهای ایرانی

۲ - اقدامات مشترک:

به منظور اجرایی کردن و استفاده مناسب از بسترهای موجود دو کشور باید به تدوین استراتژی مناسب جهت اقدامات مشترک مبادرت ورزند. تشکیل کمیته ای تحت عنوان «کمیته امنیت انسانی افغانستان و ایران» با نظارت و حمایت دفتر منطقه ای برنامه توسعه ملل متحد می تواند بستر اقدامات بعدی را فراهم نماید. این کمیته می تواند ذیل همکاریهای امنیتی و اقتصادی دو کشور یا به صورت ستادی مستقل عمل نماید. مباحثی چون مبارزه با تروریسم، احافقر، قاچاق و تولید مواد مخدر و همکاریهای بهداشتی و محیط زیست می تواند مطابق آنچه در بخش های قبلی اشاره شد اولویت اقدامات در این کمیته باشد. دفتر منطقه ای برنامه توسعه سازمان ملل می تواند نقش اساسی در پیشبرد و موفقیت این پروسه داشته باشد.

۳ - پیشنهادها:

۱-۳ برای دولت افغانستان؛

برای این کشور که نیازمند استفاده از پتانسیل بالای ایران در کمک به بازسازی خود می باشد لازم است تا در مورد اتخاذ استراتژی همکاری با کشورهای فرامنطقه ای مداخله گر تجدید نظر نماید. به نظر می رسد اولویت های سیاست خارجی افغانستان می بایست مبتنی بر همکاریهای سیاسی و امنیتی با اولویتهای:

۱. با کشورهای همسایه
۲. کشورهای جهان اسلام
۳. کشورهای منطقه ای
۴. کشورهای فرامنطقه ای

در دستور کار قرار گیرد. افغانستان تا نتواند مشکلات خود را با کشورهای همسایه حل نماید نمی تواند امیدی به بهبود امنیت به صورت عام و امنیت انسانی به صورت خاص داشته باشد. [۲۳]

۳-۲ برای دولت ایران؛

برای ایران لازم است به عنوان یک کشور قدرمند که در حال تبدیل شدن به قدرت منطقه ای در غرب آسیا می باشد [۲۴] نسبت به کشورها همسایه اولویت های لازم را قایل گردد. ایجاد و تداوم قدرت ایران در سطح منطقه و غرب آسیا مستلزم داشتن همسایگانی خوب، دارای ثبات و امنیت با شاخص های مثبت و بالای توسعه و امنیت انسانی می باشد. افغانستانی بی ثبات و نیازمند همواره مرزهای شرقی ایران را با تهدیداتی جدی مواجه خواهد ساخت بنابراین لازم است ایران در تدوین استراتژی سیاست خارجی خود کشورهای همسایه خود همچون افغانستان را در اولویت قرار داده و فارغ از نگاه سیاسی و منفی گذشته به پتانسیل های بالای افغانستان به عنوان کشوری که می تواند مکمل ژئوپلیتیکی^۱ برای ایران جهت دستیابی به شبه قاره و آسیای میانه نظر داشته باشد.

۳-۳ برای دفتر منطقه ای برنامه توسعه سازمان ملل متحد:

این دفتر به عنوان موتور محرکه و اجرایی پیشبرد، حفظ و ارتقا توسعه و گسترش امنیت انسانی در سراسر جهان و ظایف خاصی دارد. غرب آسیا از جمله مناطق حساس و با اهمیتی است که در طول چند دهه گذشته نشان داده شده است امنیت جهانی با امنیت در این منطقه جغرافیایی پیوند خورده است. کمک به رشد و ارتقاء شاخص های امنیت انسانی در این منطقه می تواند مقدمه ای برای صلح و همکاری منطقه ای در دراز مدت باشد. افغانستان به عنوان کشوری آسیب پذیر و جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری قدرتمند و با تجربه بالا و ارزشمند در بالا بودن شاخص های امنیت انسانی به نسبت سایر کشورهای همسایه بخصوص افغانستان می توانند مدل خوبی از همکاریهای منطقه ای برای رشد و گسترش شاخص های امنیت انسانی باشند. حمایت و محور قرار گرفتن دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد در این اقدام می تواند بستر تضمین، اجرا و عملیاتی نمودن این پروژه بلند مدت را فراهم نماید. توجه به جنبه های انسانی و غیر سیاسی در این اقدام مشترک ضرورت اساسی در موفقیت این اقدام محسوب می گردد.

نتیجه گیری

در این تحقیق ضمن بررسی مفهوم، ابعاد و شاخص های امنیت انسانی بیشتر به زمینه های عملیاتی و کاربردی موضوع امنیت انسانی توجه داشتیم. امنیت انسانی بیشتر از آنکه

^۱ : Geopolitical Supplement

مفهومی آکادمیک باشد مفهومی عمومی در باره خصوصیات جوامعی می باشد که در پی ایجاد یک زندگی سالم و سعادت‌مند براساس ارزشهای مشترک بشری و نیازهای اولیه انسانها برای زندگی می باشد. ورود به بحث همکاریهای مشترک ایران و افغانستان در موضوع امنیت انسانی نیز دقیقاً از همین جا آغاز می شود که نمی توان انتظار داشت انسانهایی که در دوسوی یک مرز جغرافیایی دست ساخته انسان زندگی می کنند و به مدد گسترش ارتباطات و جهانی شدن از وضعیت سایر انسانهای ورای مرزها آگاهند نسبت به نداشته ها و نقایص خود خاموش باشند.

اقدام این انسانها با توجه به موقعیتشان می تواند الگوها متفاوتی از رفتار های مختلف شامل خرابکاری، جنگ، منازعه، ترور، اعتراض، اعتصاب و شورش را نسبت به سایر انسانها در پی داشته باشد. از سوی دیگر هر چند دولتها در تامین امنیت انسانی ناتوان نشان داده اند اما همچنان نقشی اصلی را در دوره ای که مرزهای سیاسی انسانها را از هم جدا می نمایند برای تامین امنیت انسانها به عهده دارند. در جوامع بسته و توسعه نیافته ای که هنوز سامان جوامع قدرتمند مدنی شکل نیافته این نقش مسلماً پر رنگتر خواهد بود.

افغانستان و ایران با داشتن مرزهای طولانی مشترک و پیوندهای گسترده تاریخی و فرهنگی می توانند سهم موثری در تأمین امنیت انسانی در غرب آسیا داشته باشند و مسلماً نقش دولت ایران در این زمینه به نسبت افغانستان پررنگتر خواهد بود. اقدام برای حصول به نتایج مطلوب در این عرصه نیازمند تنظیم و ترتیب اولویت ها، تدوین استراتژی و تلاشی های فراوان و عبور از موانع درونی و بیرونی است که به مدد تلاش دولتمردان و مردم حصول آن دور از انتظار نخواهد بود. رسیدن به این مهم منافع فراوانی برای دوکشور در سطوح ملی، منطقه ای و جهانی خواهد داشت اما موانع محکمی نیز در مسیر موجود است که نگرانی های گسترده ای برای حصول به نتایج مطلوب را در کوتاه مدت بوجود آورده است.

منابع

۱. ویلکن، پیتر- ترجمه مرتضی بحرانی (۱۳۸۱) - اقتصاد سیاسی، ارتباط جهانی و امنیت انسانی - انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی - تهران - ص ۱۳
۲. توماس، کارولین - ترجمه مرتضی بحرانی (۱۳۸۲) - حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی - انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی - تهران - ص ۱۱-۱۷
3. (2008) en.wikipedia.org/wiki/Human_security

۴. توماس، کارولین - ترجمه مرتضی بحرانی (۱۳۸۲) - حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی - انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی - تهران - ص ۲۵ به نقل از: Heinbecker, p . (1999) Human Security, Headlines (Toronto:) (Canadian Institute of International Affairs) , 56:2,pp.4-9
۵. هوشنگ امیراحمدی (۲۰۰۴) حاکمیت جمعی و امنیت انسانی در منطقه دریای خزر، متن سخنرانی دکتر در کنفرانس آسیای مرکزی و قفقاز، مه، دانشگاه دالپوسی، هالیفاکس، کانادا.
6. (2008) Guidelines for United Nations Trust Fund for Human Security, 4th Revision
7. (2008) www.britannica.com/EBchecked/topic/358091/Mahbub-ul-Haq
8. Kanti Bajpai(2000)Human Security: Concept and Measurement , School for International Studies ,Jawaharlal Nehru University, New Delhi,pp : 10-12
9. Ibid , pp: 15-16
10. Jolly ,Richard and Deepayan Basu ,Ray(2006) ,The Human Security Framework and National Human Development Reports, United Nations Development Programme ,National Human Development Report Unit:p 5
11. Kanti Bajpai(2000)Human Security: Concept and Measurement , School for International Studies ,Jawaharlal Nehru University, New Delhi,pp: 10-11
12. : Ibid , p: 16
13. Ibid , pp: 35-36
۱۴. هوشنگ امیراحمدی (۲۰۰۴) حاکمیت جمعی و امنیت انسانی در منطقه دریای خزر، متن سخنرانی دکتر در کنفرانس آسیای مرکزی و قفقاز، مه، دانشگاه دالپوسی، هالیفاکس، کانادا
15. Human Security Brief (2007), Explaining the declineing global terrorism , Simon fraser University . Canada , p:3
۱۶. اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال، گزارش سال ۱۳۸۴ (دیدگاه سال ۱۴۰۰) - نشریه مشترک جمهوری اسلامی افغانستان و برنامه انکشافی ملل متحد- کابل - صص ۴۸-۶۴.
۱۷. پرفس، روت (۱۳۸۶) - افغانستان بدون فقر- راهنمای فقر به زبان ساده - اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده- (USAID) - کابل

18. Khalid Koser (2005) Irregular migration, state security and human security , University College London, p:4

۱۹. آرمان، امین (۱۳۸۶). آیا ژنرالها بیدار می شوند- به نقل از:

www.armans.info/2007/08/13/2242.html

۲۰. سعیدی، احمد (۱۳۸۷). سیاست های ناعاقبت اندیشانه بحران زایی کرده اند. به نقل

از: <http://www.ahmadsaidi.blogfa.com/8707.aspx>

۲۱. سعیدی، احمد (۱۳۸۷). آیا صلح با طالبان ممکن است؟ به نقل از

<http://www.ahmadsaidi.blogfa.com/8707.aspx>

۲۲. فیاض، محمد اسحق (۱۳۸۷) اسرار ناگفته از مذاکرات صلح مکه با طالبان. به نقل از:

<http://kabulpress.org/my/spip.php?article2380>

۲۳. سعیدی، احمد (۱۳۸۷) - سیاست های ناعاقبت اندیشانه بحران زایی کرده اند. به

نقل از: <http://www.ahmadsaidi.blogfa.com/8707.aspx>

۲۴. رضایی، محسن (۱۳۸۴) ایران منطقه ای ، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای

مسلح، تهران، ص ۴-۱۱